دو فصلنامه آسیب شناسی، مشاوره
و غنی سازی خانواده
۱۳-۱ ، (۱)۱، ۱۳۹٤
دریافت: ۱۳۹۳/٦/۲۱
پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۵

Family Pathology, Counseling
&Enrichment Journal
2014, 1 (1),1-14
Received:12, Sp, 2014
Accepted: 16, Mar, 2015

رابطه تعاملات منفی بین زوجین و خانواده همسر با صمیمیت زوجین و تعارضات زناشویی در زنان

The Relationship between Negative Interactions of Couple and Family in Law with Intimacy and Marital Conflict in Women

سیمین قاسمی* Simin Ghasemi
عذرا اعتمادی ** Ozra Etemadi
سید احمد احمدی *** Sayed Ahmad Ahmadi

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر با صمیمیت زوجین و تعارضات زناشویی انجام شد. در این تحقیق که از نوع همبستگی بود ۳۶۷ نفر از زنان متأهل شهر اصفهان با روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه تعارض زناشویی، مقیاس صمیمیت زوجین و پرسشنامه محقق ساخته تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر را تکمیل کردند. داده‌ها توسط همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج تحقیق نشان داد بین تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر با تعارضات زناشویی رابطه مثبت معنادار (p<۰/۰۱) و بین تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر با صمیمیت رابطه منفی معنادار (p<۰/۰۱) وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که تعاملات منفی در بعد رفتاری و هیجانی توانایی تبیین ۲۲ درصد تعارضات زناشویی و تعاملات منفی در بعد رفتاری توانایی تبیین ۱۲ درصد صمیمیت زوجین را دارد. بر طبق نتایج، تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر می‌تواند روابط زوجین و ثبات پیوند زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: تعاملات منفی، خانواده همسر، صمیمیت، تعارض زناشویی

Abstract

The aim of this study was to determine the relationship between negative interactions of couple and family in law with intimacy and marital conflict. In this correlation study, 36۷ married women of Isfahan were selected in multi-stage random sampling and completed Marital Conflict Questionnaire, Intimacy Scale (IS) and Negative Interactions of Couple and Family in Law Researcher Made Questionnaire. Data were analyzed by Pearson correlation coefficient and step wise regression methods. The results of this study showed that there is a positive and significant relationship between negative interactions of couple and family in law with marital conflict (p<0.01) and a negative and significant relationship between negative interactions of couple and family in law with intimacy (p<0.01). The results of regression showed that negative behavioral and emotional interactions explained 22% of variations in marital conflict and negative behavioral relations explained 12% of variations in intimacy. According to the findings negative interactions of couple and family in law can affects couple's relationship and marital life stability.

Key words: Negative Interactions, Family in Law, Intimacy, Marital Conflict

*کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان ghasemi.s77@gmail.com
**دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان
*** استاد گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.1.0]

مقدمه

یکی از عواملی که می‌تواند باعث موفقیت زندگی خانوادگی گردد، ارتباط مناسب بین زوجین و خانواده همسر است. این ارتباط به حفظ بهداشت روانی، وجود تنوع در زندگی، رشد و بالندگی اجتماعی، برخورداری از حمایت‌های خویشاوندان، سبکباری، امنیت خاطر، بهره‌مندی از تجربه بزرگ‌ترها و ایجاد تعادل در خانواده می‌انجامد؛ اما گاه بروز مشکلات و مسائل گوناگونی نظیر مداخله‌ها، حسادت‌ها، خود خواهی‌ها، سخن چینی‌ها و بد گویی‌ها، زخم زبان‌ها، حرمت شکنی‌ها، توقع بیش از اندازه از عروس یا داماد، معاشرتی نبودن زن یا شوهر، تفاوت در طبقه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زوجین و خانواده همسر باعث می‌شود یکی از طرفین عجولانه ارتباط خود با طرف مقابل را قطع کند. این قطع ارتباط می‌تواند پیامدهایی نظیر افزایش نگرانی در خانواده همسران، افزایش تنش میان همسران، ظهور و بروز علایم افسردگی، کاهش برخورداری از حمایت‌های خویشاوندان، نقصان در تربیت اجتماعی و عاطفی فرزندان، پیدایش احساس بدبینی در همسر و فرزندان نسبت به والد منع کننده از ارتباط را در پی داشته باشد (ایمانی، ۱۳۸۸).

اعضای خانواده بطور همزمان بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و از یکدیگر تأثیر می‌گیرند، شناخت‌ها، هیجانات و رفتار یکی از اعضای خانواده بر سایر اعضای خانواده اثر گذاشته و باعث عکس‌العمل‌های شناختی، هیجانی و رفتاری خاصی در طرف مقابل می‌گردد (زهرا کار و جعفری ، ۱۳۹۰) که این امر در تعاملات زوجین و خانواده همسر نیز مصداق دارد.

شناخت‌های ناقص، سوءتفاهم‌ها و نگرش‌های منفی نسبت به خانواده همسر و همینطور عروس/ داماد، هیجانات خاصی را در هر یک از طرفین ایجاد می‌کند و از آنجا که هیجان‌ها در ایجاد، حفظ و یا از بین رفتن روابط بین فردی نقش دارند (ریو[1] ،۲۰۰۵ ، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۵) تعاملات بعدی زوجین و خانواده همسر را تحت الشعاع قرار می‌دهند و پیامدهای رفتاری به‌دنبال خواهند داشت که بسته به توانایی هر یک از طرفین در مدیریت هیجان‌ها و رفتارهای متعاقب آن می‌تواند باعث ادامه ارتباطات خانوادگی و یا از هم گسیختگی آن شود که نتایج آن زوجین، فرزندان و خانواده‌های هر یک از طرفین را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در پژوهش بهجتی اردکانی (۱۳۸۲)، یکی از عواملی که باعث پایین بودن آمار طلاق در خانواده‌های یزدی می‌شود، حمایت والدین زوجین از زندگی تازه تشکیل شده است. از آنجا که زوجین در ابتدای تشکیل زندگی و بخصوص با تولد فرزندان با استرس‌های زیاد اقتصادی، ارتباطی، اجتماعی و غیره مواجه می‌شوند و با توجه به

[1] Reeve

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.1.0]

این که وجود حمایت اجتماعی عاملی مؤثر در افزایش توانایی مقابله با استرس در افراد است، حمایت همه جانبه مالی، عاطفی و غیره که در والدین یزدی وجود دارد، به فرزندان آن‌ها در مقابله با استرس و جلوگیری از فرو پاشی خانواده نوپا کمک می‌کند. این در حالی است که نتایج تحقیقات فراوانی نشان داده‌اند به همان ترتیب که تعامل مناسب بین زوجین و خانواده همسر به استحکام پیوند زناشویی کمک می‌کند، تعاملات نامناسب بین زوجین و خانواده همسر باعث اختلال در زندگی زوجین و حتی فروپاشی کانون خانواده می‌شود. نتایج پژوهش سپهریان (۱۳۷۹)، حاکی از این است که در شهرستان ارومیه دومین عامل طلاق بعد از ناسازگاری‌های رفتاری و اخلاقی تعاملات منفی با خویشاوندان و آشنایان است. در این تحقیق بیش از نیمی از زنان، اقوام شوهر خویش را در اختلافات خود مقصردانسته‌اند و حدود ۶ درصد مردان نیز اقوام زن را مقصر دانسته‌اند. پژوهش نوابی نژاد (۱۳۸۰)، نزدیکی و وابستگی عاطفی زن و مرد به خانواده‌هایشان یا یکی از دو خانواده و یا دوری وقطع ارتباط با هر یک از خانواده‌ها و داشتن نگرش خصمانه نسبت به آنها را جز یکی از عوامل اختلال زا در سازگاری زناشویی طبقه‌بندی می‌کند.

یافته‌های پژوهش بنی جمالی و همکاران (۱۳۸۳)، اهمیت نقش والدین را در از هم پاشیدگی خانواده‌های ناموفق نشان داده است، بدین ترتیب که در خانواده‌های ناموفق شاهد میزان بیشتری از دخالت خانواده‌ها در زندگی زوجین هستیم و همچنین در خانواده‌هایی که زوج یا زوجه از طرف خانواده همسر مورد قبول قرار نمی‌گیرد مشکلات و کشمکش‌های بیشتری دیده می‌شود.

همچنین وابستگی بیش از حد هر یک از زوجین به خانواده‌اش این فرصت را به والدینش می‌دهد تا با مداخلات بیشتر باعث پایین آمدن رضایت زناشویی شوند، در پژوهش هاوس و مالینکرود[۲] (۱۹۹۸)، سطح تمایز یافتگی از خانواده اصلی و سازگاری زناشویی زوج‌های جوان بررسی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که با افزایش سطح تمایزیافتگی و استقلال از خانواده اصلی، رضایت زناشویی بالاتر می‌رود و دیگر اینکه وابستگی شوهر به والدینش بیشتر از وابستگی زن به والدینش موجب ناسازگاری و اختلافات زناشویی می‌شود .

با توجه به تحقیقات ذکر شده، تعاملات نامناسب بین زوجین و خانواده همسر، تعاملات بین زوجین و صمیمیت زناشویی بین آنها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. صمیمت، یک نزدیکی، تشابه و رابطه شخصی عاشقانه یا هیجانی با شخص دیگر است که مستلزم شناخت و درک عمیق از فرد دیگر و همین‌طور بیان افکار و احساساتی

[2]. Haws & Mallinckrodt

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.1.0]

است که نشانه تشابه آنها با یکدیگر است (دامز[3]، ۲۰۰۰). در چنین رابطه‌ای خودافشایی، درک، اعتماد و نزدیکی عمیق تجربه می‌شود و دو فرد با بعد بالغ وجودشان آگاهانه به برآوردن نیازهای یکدیگر می‌پردازند (حسینی، ۱۳۸۹). روابط توأم با صمیمت یکی از نیازهای عاطفی زوجین است که منبع مهمی برای شادی، احساس معنا و رضایت زناشویی در زندگی است (پیلاگ ، لوتینجین، آریندل[4]، ۲۰۰۵). در واقع وجود یا عدم وجود صمیمت زمینه بنیادی رضایت و نارضایتی فرد از زندگی را فراهم می‌آورد (پاپاجورجیو و ولز[5]، ۲۰۰۴). با توجه به اینکه ارضای متقابل نیاز زوجین به صمیمیت موجب تحکیم روابط محبت آمیز بین آنها می‌شود، یکی از اصول مهم در ازدواج‌های موفق، ایجاد صمیمیت بین زوجین است (ولگستون، وانبرگ، اکسلیوس، لانکویست، سانداستن[6] ، ۲۰۱۰). زوج‌هایی که صمیمت بالاتری دارند قابلیت بیشتری در مواجه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود دارند و در نتیجه رضایت زناشویی بالاتری را تجربه می‌کنند (پاتریک، سلز، گیردانو، تالرود[7]،۲۰۰۷) و این درحالی است که در زوجین با میزان صمیمیت پایین، تعاملات منفی زیادی (مانند ارتباط ضعیف، انتظارات بالا، کمبود فعالیت مشترک، رابطه جنسی ضعیف، تعصبات ادراکی و شناختی منفی) وجود دارد که در صمیمیت زناشویی تأثیرگذار است (چایکر[8]، ۲۰۰۳).

تعارضات زناشویی یکی دیگر از آثار ارتباطات نامناسب زوجین و خانواده همسر است. به عقیده دیویس[9](۲۰۰۶) تعارض زمانی در روابط بروز می‌کند که رفتار یک شخص با توقعات شخص دیگر هماهنگ نباشد. وجود تعارض زناشویی از واکنش نسبت به تفاوت‌های فردی ناشی می‌شود و زمانی قوت می‌گیرد که احساس خشم، خصومت، کینه، نفرت، حسادت، سوء رفتار کلامی و فیزیکی بر روابط زوج‌ها حاکم شود. پونتام[10] تعارض را وضعیتی می‌داند که در آن افراد متعامل در زمینه هدف‌های اصلی و فرعی و ارزش‌های یکدیگر اختلاف دارند و هر یک دیگری را به مثابه مانعی بالقوه و بازدارنده در حصول مقاصد خود تلقی می‌کنند (به نقل از ترابی، اکبری و عرب، ۱۳۸۷). همچنین گریف و برونیه[11](۲۰۰۵) تعارض را به عنوان فرایندی در نظر می‌گیرند که طی آن یکی یکی از طرفین پی می‌برد که طرف مقابلش مسائل مورد علاقه او را سرکوب می‌کند.

[3] Dahms
[4] Pielage, Luteinjin & Arrindell
[5] Papageorgio & Wells
[6] Volgston, Vanberg, Ekselius, Lundkvist & Sundstom
[7] Patrick, Sells, Giordano & Tollerud
[8] Chaiker
[9] Davis
[10] Putnam
[11] Greef & Bruyne

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.1.0]

تعارض بر بهداشت روانی، جسمی و خانوادگی تأثیرگذار است و تحقیقات رابطه تعارضات زناشویی را با افسردگی، اختلال خوردن و بیماریهای خاص مانند سرطان (مرچند و هوک،۲۰۰۰) تأیید کرده‌اند. از عوامل بروزدهنده تعارضات زناشویی می‌توان به مسائل اقتصادی، روابط جنسی، روابط خویشاوندی، دوستان، فرزندان، نحوه صرف اوقات فراغت، خیانت، به پایان رسیدن عشق متقابل، مشکلات عاطفی، سوء استفاده جسمانی، ازدواج در سنین پایین و درگیری‌های شغلی (ثنایی،۱۳۷۸) اشاره کرد.

تحقیقات فراوانی که در جهت بررسی عوامل مؤثر در طلاق در سراسر کشور انجام شده، تعاملات منفی زوجین با خانواده همسر را عامل بسیار مهمی در فروپاشی کانون خانواده دانسته‌اند (جلیلیان، ۱۳۷۵؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ شعبانی، ۱۳۸۲؛ طباطبایی ،۱۳۸۳؛ ملتفت،۱۳۸۱؛ زرگر، ۱۳۸۶) که این خود نشان گستردگی و اهمیت موضوع است. با توجه به این مطلب و در نظر گرفتن اینکه کاهش صمیمیت بین زوجین و تعارضات زناشویی یکی از عوامل زمینه‌ساز طلاق هستند، در تحقیق حاضر سعی شد به بررسی رابطه بین تعاملات منفی بین زوجین و خانواده همسر با صمیمت بین زوجین و تعارضات زناشویی پرداخته شود.

روش

با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر با صمیمیت زوجین و تعارضات زناشویی در زنان است از روش همبستگی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان متأهل شهر اصفهان در بهار۱۳۹۲ بود که در محدوده سنی ۲۳ تا ۴۵ سال قرار داشتند، حداقل سه سال از ازدواج آنها گذشته بود، از توانایی خواندن و نوشتن برخوردار بودند، والدین همسر آنها در قید حیات بودند، خودشان هنوز صاحب عروس و داماد نشده بودند و خود و خانواده همسرشان هر دو ساکن شهر اصفهان بودند. ملاک خروج افراد از طرح پژوهش نیز ابتلا به بیماری حاد جسمانی یا روانی بود. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای استفاده شد، بدین ترتیب که ابتدا شهر اصفهان از لحاظ جغرافیایی به چهار منطقه شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم شد و سپس از بین مناطق فرهنگی و تفریحی هر منطقه دو مرکز فرهنگی- تفریحی به صورت تصادفی انتخاب و پس از ارائه توضیحات لازم درباره هدف پژوهش و محرمانه ماندن اطلاعات شرکت‌کنندگان و جلب همکاری آنها، پرسشنامه‌ها تکمیل و پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های ناقص، داده‌های ۳۶۷ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. میانگین سنی شرکت کنندگان ۳۲/۲۶ و حداقل تحصیلات شرکت کنندگان، دیپلم بود.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.1.0]

داده‌های بدست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS 18 و روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و نیز تحلیل‌های همبستگی و رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

ابزار

۱. پرسشنامه محقق ساخته تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر: این ابزار یک پرسشنامه خودگزارشی ۲۷ گویه‌ای بود که براساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای نمره‌گذاری شد. ابزار حاضر دارای سه خرده مقیاس بود که تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر را در سه بعد شناختی، هیجانی و رفتاری مورد بررسی قرار می‌داد. برای ساخت این پرسشنامه ابتدا، پرسشنامه مقدماتی تنظیم شد و جهت بررسی روایی محتوایی، در اختیار ۵ نفر از صاحب‌نظران حیطه مشاوره خانواده قرار گرفت و پس از انجام اصلاحات لازم، برای بررسی پایایی و روایی، بر روی گروهی متشکل از ۵۰ نفر اجرا شد. پایایی کل پرسشنامه مذکور با دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف مورد بررسی قرار گرفت که اعتبار کل پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۹ و به روش تنصیف معادل ۰/۸۵محاسبه شد. همچنین آلفای کرنباخ خرده مقیاس تعاملات منفی در بعد شناختی معادل ۰/۶۹، در بعد هیجانی معادل ۰/۸۷ و در بعد رفتاری معادل ۰/۷۴ محاسبه شد.

۲. مقیاس صمیمیت[12]: این پرسشنامه در سال ۱۹۸۳ توسط واکر و تامپسون[13](به نقل از باقری، ۱۳۸۹) و برای سنجش مهر و صمیمیت تدوین شده است. مقیاس مذکور دارای ۱۷ ماده است. نمره آزمودنی از طریق جمع نمرات و تقسیم آن بر عدد ۱۷ حاصل می‌شود. دامنه این نمرات بین ۱ تا ۷ است که نمره بالاتر نشانه‌ی صمیمت بیشتر است. پایایی این پرسشنامه معادل ۰/۹۱ گزارش شده است. ثنایی (۱۳۷۹) ضریب پایایی این پرسشنامه را براساس داده‌های ۱۰۰ زوج اصفهانی، معادل۰/۹۶ محاسبه کرده است. در پژوهش نعیم (۱۳۸۷) ضریب پایایی این پرسشنامه به دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف مورد بررسی قرار گرفت که در هر دو روش ضریب اعتبار، معادل ۰/۹۶ محاسبه شده است.

۳. پرسشنامه تعارض زناشویی براتی و ثنایی: پرسشنامه مزبور یک ابزار خودگزارشی است که دارای ۴۲ گویه و بر طبق طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه هفت بعد از تعارض زناشویی را می‌سنجد که عبارتند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت

[12] Intimacy Scale (IS)
[13] Walker & Thompson

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.1.0]

فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر. این آزمون توسط سازندگان آن بر روی مراجعه کنندگان به مراجع قضایی یا مراکز مشاوره جهت رفع تعارض زناشویی در تهران هنجاریابی شده و مشخصات روان‌سنجی آن به این شرح گزارش شده است: آلفای کرنباخ برای کل پرسشنامه ۰/۵۳ و برای خرده مقیاس‌های کاهش همکاری ۰/۳۰، کاهش رابطه جنسیی ۰/۵۰، افزایش واکنش هیجانی ۰/۷۳، افزایش جلب حمایت فرزند۰/۶۰، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان ۰/۶۴، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۶۴ و جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۵۱، گزارش شده است (ثنایی، ۱۳۷۹).

یافته‌ها

در این قسمت ابتدا یافته‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش (جدول شماره ۱) و سپس ضرایب همبستگی و رگرسیون گام به گام ارائه شده است.

جدول۱

میانگین و انحراف معیار تعاملات منفی، صمیمیت و تعارض زناشویی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
کاهش همکاری	۸/۳۳	۲/۱۲
کاهش رابطه جنسی	۱۱/۸۸	۳/۹۸
افزایش واکنش‌های هیجانی	۱۳/۴۷	۴/۴۶
افزایش جلب حمایت فرزندان	۱۱/۰۴	۳/۳۲
افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	۱۲/۵۸	۳/۸۷
کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان	۱۱/۱۲	۴/۲۵
جدا کردن امور مالی از یکدیگر	۱۳/97	۳/۱۵
صمیمیت	۱۰۲/۶۶	۱۶/۶۰
تعاملات منفی در بعد شناختی	۲۸/۴۵	۵/۹۳
تعاملات منفی در بعد هیجانی	۲۹/۴۴	۴/۵۰
تعاملات منفی در بعد رفتاری	۱۸/۹۸	۴/۶۵

برای بررسی رابطه بین تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر با صمیمیت زوجین و تعارضات زناشویی در زنان از تحلیل همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.1.0]

جدول ۲

ضرایب همبستگی تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر با صمیمیت زوجین و تعارضات زناشویی در زنان

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱. کاهش همکاری	۱										
۲.کاهش رابطه جنسی	۰/۵۷**	۱									
۳. افزایش واکنش‌های هیجانی	۰/۵۹**	۰/۶۵**	۱								
۴. افزایش جلب حمایت فرزندان	۰/۲۴**	۰/۳۰**	۰/۳۸**	۱							
۵. افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	۰/۵۷**	۰/۵۵**	۰/۷۰**	۰/۴۰**	۱						
۶. کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر	۰/۴۵**	۰/۵۲**	۰/۶۹**	۰/۴۳**	۰/۷۰**	۱					
۷. جدا کردن امور مالی از یکدیگر	۰/۴۳**	۰/۳۳**	۰/۴۸**	۰/۳۶**	۰/۵۲**	۰/۴۹**	۱				
۸. صمیمیت	-۰/۴۵**	-۰/۶۰**	-۰/۵۷**	-۰/۳۲**	-۰/۴۴**	-۰/۴۶**	-۰/۴۸**	۱			
۹. تعاملات منفی در بعد شناختی	۰/۲۳**	۰/۱۸**	۰/۳۳**	۰/۲۱**	۰/۱۷**	۰/۲۴**	۰/۱۰*	-۰/۱۷**	۱		
۱۰. تعاملات منفی در بعد هیجانی	۰/۲۵**	۰/۲۱**	۰/۳۷**	۰/۲۴**	۰/۲۵**	۰/۳۳**	۰/۱۱*	-۰/۲۶**	۰/۶۳**	۱	
۱۱. تعاملات منفی در بعد رفتاری	۰/۲۸**	۰/۲۶**	۰/۳۹**	۰/۳۴**	۰/۳۷**	۰/۴۰**	۰/۱۴**	-۰/۳۵**	۰/۵۹**	۰/۵۳**	۱

**معنی داری در سطح ۰/۰۱ *معنی داری در سطح ۰/۰۵

همانطور که ملاحظه می‌شود، از بین خرده مقیاس‌های تعارض زناشویی، جدا کردن امور مالی از یکدیگر با تعاملات منفی بین زوجین و خانواده همسر در بعد شناختی و هیجانی همبستگی مثبت معنادار در سطح ۰/۰۵ و بین سایر خرده مقیاس‌های تعارض زناشویی و تعاملات مفی بین زوجین و خانواده همسر، همبستگی مثبت معنادار در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که بین صمیمیت زوجین و تعاملات منفی بین زوجین و خانواده همسر در ابعاد شناختی، هیجانی و رفتاری همبستگی منفی معنادار در سطح ۰/۰۱ وجود دارد.

برای پیش‌بینی صمیمیت و تعارض زناشویی براساس تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول‌شماره ۳ ارائه شده است.

جدول۳

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی صمیمیت و تعارض زناشویی توسط تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر

متغیر ملاک	R	R^2	F	P	گام	متغیر پیش‌بین	B	β	t	P
تعارض	۰/۴۷	۰/۲۲	۲۷/۷۶	۰/۰۰۱	۲	بعد رفتاری	۰/۲۰	۰/۳۴	۶/۲۰	۰/۰۰۱
						بعد هیجانی	۰/۳۱	۰/۱۸	۵/۴۵	۰/۰۰۲
صمیمیت	۰/۳۵	۰/۱۲	۲۱/۸۵	۰/۰۰۱	۱	بعد رفتاری	-۰/۳۸	-۰/۳۵	-۳/۸۷	۰/۰۰۱

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.1.0]

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که بعد رفتاری و بعد هیجانی تعاملات منفی بین زوجین و خانواده همسر روی هم رفته به‌صورت مستقیم توانایی تبیین ۲۲ درصد تعارضات زناشویی را دارا هستند (R^2 =۰/۲۲) و ضریب تأثیر بعد رفتاری و بعد هیجانی تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر به ترتیب ۰/۳۴ و ۰/۱۸ است. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت با افزایش تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر در بعد رفتاری و هیجانی، تعارضات زناشویی نیز افزایش پیدا کند. همچنین از بین ابعاد شناختی، هیجانی و رفتاری تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر، تنها بعد رفتاری توانایی پیش بینی صمیمت زوجین را دارد. بعد رفتاری تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر به‌صورت معکوس توانایی تبیین ۱۲ درصد صمیمیت زوجین را دارا است (R^2 =۰/۱۲) و ضریب تأثیر آن ۰/۳۵- است. بدین ترتیب با افزایش تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر در بعد رفتاری، صمیمت بین زوجین کاهش پیدا خواهد کرد.

بحث و نتیجه گیری

تحقیق حاضر با هدف بررسی رابطه بین تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر با صمیمیت زوجین و تعارضات زناشویی انجام شد. نتایج نشان داد بین تعارضات زناشویی وتعاملات منفی بین زوجین و خانواده همسر رابطه مثبت معنادار وجود دارد و تعاملات منفی در بعد هیجانی و رفتاری توانایی پیش بینی تعارضات زناشویی را دارا هستند. همچنین نتایج نشان داد بین صمیمیت زوجین و تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر رابطه منفی معنادار وجود دارد و بعد رفتاری تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر به صورت معکوس توانایی پیش‌بینی، صمیمیت زوجین را دارا است.

تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر در بعد شناختی شامل نگرش‌های منفی نسبت به طرفین، شناخت‌های ناقص، سوءتفاهم‌ها و پیش داوری‌هایی است که رابطه زوجین و خانواده همسر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کلیشه‌های رایجی که درباره رابطه زوجین و خانواده همسر در جامعه رواج دارد باعث می‌شود هر یک از طرفین از همان آغاز ارتباط ذهنیت آشفته و مغشوشی نسبت به یکدیگر داشته باشند و از همان ابتدا به‌دنبال نشانه‌هایی برای تأیید ذهنیت از پیش برنامه‌ریزی شده خود در مورد ارتباط با خانواده همسر یا ارتباط با عروس/ داماد باشند و با ملاحظه علامتی هر چند ناچیز دال بر صحت این موضوع، دچار هیجاناتی نظیر خشم، غم، نفرت، احساس تنهایی و سرخوردگی شوند. شناخت‌ها و هیجانات منفی، پیامدهای رفتاری به‌دنبال خواهد داشت که باعث ویرانی هرچه بیشتر رابطه زوجین با خانواده همسر خواهد شد. دخالت‌ها، اعمال قدرت‌ها، وابستگی‌های زیاد، عدم رعایت اصول اخلاقی، بی احترامی‌ها، ناتوانی در شناخت مسئله و راه حل‌های آنها،

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.1.0]

ناتوانی در مذاکره و برطرف کردن مشکلات ایجاد شده همه مواردی هستند که در تعاملات زوجین و خانواده همسر اختلال ایجاد می‌کنند.

تعاملات نامناسب زنان با خانواده همسر، رابطه آنها با شوهرشان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. شوهری که هم از طرف همسرش و هم از طرف خانواده‌اش بخاطر روابط منفی بین همسر و خانواده‌اش تحت فشار مضاعف است ممکن است ناخواسته به طرفداری از یکی از طرفین بپردازد و یا با ناتوانی خود در حل کشمکش‌های بین همسر و خانواده‌اش نه تنها باعث بهبود شرایط نشود بلکه باعث تیره‌تر شدن روابط و حتی نابودی رابطه خود با همسرش شود. طبق نتایج این تحقیق رابطه کدر زنان با خانواده همسرشان سبب کاهش صمیمیت بین زوجین، کمرنگ شدن مهر و محبت بین آنها و افزایش تعارضات زناشویی و در نتیجه کاهش همکاری بین آنها و کاهش روابط جنسی بین زوجین می‌شود که نتیجه بدست آمده با نتایج تحقیق پیلاگ و همکاران (۲۰۰۵) و چایکر (۲۰۰۳) همخوانی دارد. هرچه این مشکلات بیشتر شود واکنش‌های هیجانی همسران نسبت به یکدیگر منفی‌تر و شدیدتر خواهد شد و متعاقب آن مادری که خود را هم از طرف همسر و هم از طرف خانواده همسر مورد ظلم و ستم می‌بیند به جلب حمایت فرزندان خواهد پرداخت و بدین ترتیب رابطه فرزندان با پدرشان و خانواده پدر نیز دچار اختلال خواهد شد.

نتایج نشان داد هرچه تعاملات منفی بین زنان با خانواده همسر عمیق‌تر شود، ارتباط بین آنها کمتر و چه بسا قطع خواهد شد و در عوض رابطه زنان با خانواده خودشان بیشتر و عمیق‌تر خواهد شد که همین امر نیز باعث تعارضات بیشتر بین زوجین خواهد شد و مشکلات ایجاد شده را حادتر و شدیدتر خواهد کرد.

همچنین بر طبق یافته‌های تحقیق حاضر ممکن است بر اثر تعارضات مکرر زوجین بر سر موضوعات گوناگون و از جمله روابط نامناسب آنها با خانواده همسر، جدایی مالی نیز رخ دهد که البته این اتفاق بر اثر تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر در بعد شناختی و هیجانی کمتر اتفاق می‌افتد ولی هنگامی که تعاملات رفتاری نامناسب شدت گیرد و حرمت‌ها شکسته شود و جدایی عاطفی اتفاق بیافتد ممکن است به‌دنبال آن جدایی مالی نیز اتفاق بیافتد.

یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات سپهریان (۱۳۷۹)، نوابی نژاد (۱۳۸۰)، بهجتی اردکانی (۱۳۸۲)، بنی‌جمالی (۱۳۸۳)، رحمت اللهی (۱۳۸۵) و هاوس و مالینکرود (۱۹۹۸) هماهنگی دارد. همچنین در تحقیق زارعی (۱۳۹۱)، ۳۷ درصد از علت اختلاف زوجین (از نظر زنان) به خود (زن) و همسر (شوهر) بر می‌گشت و

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.1.0]

۵۲ درصد علت اختلافات به دخالت خانواده شوهر در زندگی زوجین مربوط می‌شد که نتیجه ذکر شده با یافته‌های این پژوهش همخوان است.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی روبرو بود که می‌تواند تعمیم نتایج را با مشکل مواجه سازد. از جمله این محدودیت‌ها، عدم کنترل برخی از متغیرهای مداخله‌گر مانند ویژگی‌های شخصیتی، فرهنگی و اجتماعی شرکت‌کننده‌ها بود که می‌توانند با تأثیر بر صمیمیت زوجین و تعارضات زناشویی باعث اختلال در نتایج گردند. محدودیت دیگر این تحقیق، اجرای پژوهش در جامعه زنان شهر اصفهان بود که نمی‌توان آن را به مردان و همچنین سایر شهرها، فرهنگ و قومیت‌های ایرانی تعمیم داد. لذا پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر در جامعه مردان و همچنین در سایر شهرهای کشور نیز انجام شود. همچنین با توجه به رابطه منفی بین تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر با صمیمیت زوجین و رابطه مثبت آن با تعارضات زناشویی، تدوین طرح‌های مداخله‌ای توسط نهادهای فرهنگی و آموزشی در جهت افزایش مهارت‌های ارتباطی زوجین و خانواده همسر می‌تواند نقش بسزایی در حفظ پیوندهای خانوادگی، ثبات زندگی زناشویی و ارتقا سلامت خانواده و جامعه ایفا کند.

سپاس و قدردانی

نویسنده بر خود لازم می‌داند از راهنمایی‌ها و زحمات اساتید و دوستانی که محقق را یاری رساندند و همچنین کلیه بانوانی که در این تحقیق شرکت داشتند، تشکر و قدردانی نماید.

منابع

ایمانی، محسن (۱۳۸۸). ارتباط با خانواده همسر. تهران: پیام رسان.

باقری، اشرف (۱۳۸۹). رابطه بخشودگی، کمال گرایی و صمیمیت با رضایت زناشویی در زوجین جانباز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی اهواز.

بهجتی اردکانی، فاطمه و مریم فاتحی زاده (۱۳۸۲). بررسی عوامل آموزشگاهی، فرهنگی و خانوادگی مؤثر بر پایین بودن طلاق در استان یزد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

بنی جمالی، شکوه سادات؛ نفیسی، غلامرضا و یزدی، سید منوره (۱۳۸۳). ریشه‌یابی علل از هم پاشیدگی خانواده‌ها در رابطه با ویژگی‌های روانی- اجتماعی دختران و پسران قبل از ازدواج، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۳(۱ و ۲).

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.1.0]

ترابی، امین؛ اکبری، فیض اله و عرب، محمد (۱۳۸۷). راهبردهای مدیریت تعارض در بین مدیران بیمارستان‌های استان لرستان، فصلنامه حکیم، ۱۱(۲): ۵۴-۵۸.

ثنایی، باقر (۱۳۷۸). مثلث سازی و مثلث‌های پاتولوژیک در مشاوره خانواده، مجموعه مقالات همایش سراسری مشاوره، تهران: سازمان بهزیستی.

ثنایی، باقر (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، تهران: انتشارات بعثت.

جلیلیان، زهرا (۱۳۷۵). عوامل اجتماعی مؤثربر در خواست طلاق در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

حسینی، بیتا (۱۳۸۹). زمینه زوج درمانی، تهران: جنگل.

رحمت اللهی، فرحناز (۱۳۸۵). آسیب شناسی زندگی زناشویی در شهر اصفهان و ارائه مدلی جهت آسیب شناسی زندگی زوجین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

رحیمی، حسین (۱۳۷۹). بررسی عوامل طلاق در استان خراسان، فصلنامه جمعیت، سال هشتم، (۳۴ و ۳۳)، ۱۱۲-۱۰۰.

ریو، جان مارشال (۲۰۰۵). انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۸۹)، تهران: نشر ویرایش.

زارعی محمودآبادی، حسن (۱۳۹۱). بررسی عوامل پیش بینی کننده میل به طلاق، تدوین مدل مداخله‌ای بومی و اثربخشی آن بر میل و خودکارآمدی مدیریت طلاق در زوجین متقاضی طلاق شهر یزد، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه اصفهان.

زرگر، فاطمه و نشاط دوست، حمید طاهر (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان، فصلنامه خانواده پژوهی،۳(۳)، ۷۴۹-۷۳۷.

زهراکار، کیانوش و جعفری، فروغ (۱۳۹۰). مشاوره خانواده، تهران: نشر ارسباران.

سپهریان، فیروزه (۱۳۷۹). بررسی مقدماتی عوامل مؤثر برطلاق و راه‌های پیشگیری از آن، فصلنامه اصول بهداشت و روان، (۵و۶)، ۲۴ -۱.

شعبانی، عین الله (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای طلاق در شهر تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.

طباطبایی، جعفر و السادات، سمانه (۱۳۸۳). بررسی طلاق و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهرستان بیرجند، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

ملتفت، حسین (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.1.0]

نعیم، سامیه (۱۳۸۷). رابطه دلزدگی زناشویی- روابط صمیمی با همسر و تعارضات زناشویی با خشونت علیه زنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اهواز.

نوابی نژاد، شکوه (۱۳۸۰). مشاوره ازدواج و خانواده درمانی، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.

Chaiker, J. H. (2003). *Self-regulation and wisdom in relationship satisfaction.* Unpublished doctoral dissertation, Griffith University, 18-29.

Dahms, A. (2000). *Emotional intimacy. Intimacy environment: Sex, Intimacy, and gender in families*. New York: Guilford.

Greef, A. & Bruyne, T. (2000). Conflict management style and marital satisfaction. *JSMT* 26, 321 -334.

Haws, W. & Mallinckrodt, B. (1998). Seperaton-individuation from family of origin and marital adjustment of recently married couple. *American Journal of Family Therapy*, 26 (4), 293-307.

Marchand, J. & Hock, E. (2000). Avoidance and attacking conflict resolution strategies among married couple, *JFR* 49(2):201-206.

Papageorgio, C., & Wells, A. (2004). *Depressive rumination: nature, theory and treatment. Chichester*: Wiley, 187-215.

Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G., & Tollerud, T. R. (2007). Intimacy, differentiation and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal*, 15, 359_367.

Pielage, S., Luteinjin, F., Arrindell, W. (2005). Adult attachment, intimacy and psychological distress in a clinical and community sample. *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 12, 455-464.

Volgston, H., Vanberg, S., Ekselius, A., Lundkvist, O., & Sundstom, p. (2010). Rsk factor for psychiatric disorder infertile women and men undergoing in vitro fertilization treatment. *Fertile Sterile*, 93(4), 1088-199.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.1.0]